

برگزیده ای از کتاب

خصائص ابن عربین و مزایا المعلوم

اینها

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر شریانی

ترجمه

مرحوم آیت الله سید محمد حسین مرعشی شیرستانی

تنظیم : علی لباف

سرشناسه: تستری، جعفر بن حسین، ۱۳۳۰ - ۱۳۰۳
 عنوان قرارداد: خصائص الحسین علیه السلام و مزایا المظلوم. فارسی.
 برگزیده.
 عنوان و نام پدیدآور: برگزیده‌ای از کتاب خصائص الحسین علیه السلام و مزایا المظلوم / تألیف: جعفر شوشتری؛ ترجمه: سید محمد حسین مرعشی شهرستانی؛ تنظیم: علی لباف.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.
 شابک: ۶-۴۱۵-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
 موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴-۶۱ ق.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۶۰۴۲۱۸ غ ۵ ت / ۴۱ BP
 رده‌بندی یویی: ۹۵۳ / ۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۴۴۵۱۱



شابک ۶-۴۱۵-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 6-415-539-964 - ISBN 978

برگزیده‌ای از کتاب

خَصَائِصُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَزَايَا الْمَظْلُومِ

تألیف: مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ جعفر شوشتری علیه السلام
 ترجمه: مرحوم آیت الله سید محمد حسین مرعشی شهرستانی علیه السلام
 تنظیم: علی لباف

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شبیر

طراح جلد: محمد گوگانی

خطاط جلد: محسن مؤمنی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: زنبق

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان یزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۸ (خط ۶)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

قیمت ۴۰۰۰ تومان

در خصوصیاتِی که متعلّق است به
خُشوع از برای ذکرِ آن جناب،
و رِقَّت و گریه و اقامهٔ عزا و اِنشادِ رِثاء

در منشأ باطنی از برای گریه، و سبب حصول آن
بدان که منشأ گریه، گاه سببی است که ملحوظ گریه کننده است،
و گاهی سببی است که ملحوظ نیست.

اما نوع اول، که به سبب ملحوظ است، پس چند قسم است:
* اول: آن است که به سبب علاقه قلبیه باشد با صاحب مصیبت،
و اعظم علاقه‌ها، علاقه والدین است، و از این جهت است که خداوند
مَنان، حق والدین را قرین حق خود ذکر فرموده است. پس والد حقیقی
- که نبی و وصی علیه السلام است -، اولی به احسانند، و اقامه عزاء و گریه
بر سید الشهداء، احسان است به پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و
فاطمه علیها السلام.

بلکه در بعض روایات، تفسیر شده است ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾
[و نیکی به پدر و مادر]^۱: به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام^۲، پس گریه بر او،
احسان است به والد، ابتداءً.

و سبب این که گریه احسان است، این است که معنی احسان، منفعت رسانیدن است به کسی، و عمده نفع، اعزاز و احترام است، و گریه، اعزاز اموات و مقتولین است.

پس بیایید ای دوستان، گریه کنیم بر آن شهید غریب، به نحو گریه قریب حقیقی، زیرا کسی که چنین گریه نکند، عاقی والدین و قاطع رحم خواهد بود.

* دوم: **علاقه شات اتصال** است، نظر به این که هرگاه عضوی از انسان، مریض شود یا درد آید، تمام بدن در زحمت و آلم است، و بعضی از اقسام گریه شیعیان، از این قسم است؛ زیرا که در خبری از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که فرمودند: شیعیان ما، از ما هستند و از فضل طینت ما خلق شده‌اند و به آب ولایت ما خمیر شده‌اند، راضی شدند به این که ما ائمه ایشان باشیم و ما هم راضی هستیم که ایشان شیعه ما هستند؛ مصیبت ما، مصیبت ایشان است، گریان می‌شوند بر صدمات ما و محزون می‌شوند به حزن ما و مسرور می‌گردند به سرور ما و ما هم متألم می‌شویم به تألم ایشان و مطلع هستیم بر احوال ایشان، پس ایشان با ما خواهند بود و از ما جدا نمی‌شوند، ما هم از ایشان جدا نمی‌شویم. پس فرمود: خدایا! شیعیان ما، از ما هستند، و هر کس یاد کند مصیبت ما را و گریان شود از برای ما، خدا او را عذاب نخواهد نمود.^۳

حال بیایید گریه کنیم به سبب این علاقه، اگر خود را شیعه می‌شماریم، زیرا کسی که گریه نکند به این علاقه، از ایشان نخواهد بود.

* سوم: علاقهٔ حقوق است، یعنی: مُصاب، صاحبِ حق باشد بر گریه کننده، و حقوق، بسیار است، یکی، حقِ اسلام و ایمان است و آن، ثابت است از برای هر مُسلمی بر مُسلمی، به جهت مشارکت در اسلام، پس چگونه است حقِ کسی که سبب شد از برای هدایتِ ما به ایمان، یعنی: حسین علیه السلام که جان خود را در راه دین خدا داد، زیرا که اگر متارکه می‌کرد و تن به این مصیبت‌ها نمی‌داد، مذهب شیعه ظاهر نمی‌شد، زیرا که بنی‌امیه، کمال تسلط بر بلاد و عباد داشتند و تمام سعی می‌نمودند در اخفای دینِ حق، تا این که امر را بر اکثر مردم مشتبه نمودند، به نحوی که سبِّ حضرت امیر را از اجزاء نماز قرار دادند، و در ذهن مردم داخل کردند که بنی‌امیه، ائمهٔ اسلام اند، و از طفولیت، اطفال را بر آن تربیت می‌نمودند، و چنین می‌دانستند که هر کس مخالفتِ ایشان کند، در ضلالت است، و چون حضرت سید الشهداء علیه السلام را به این کیفیتِ عجیه، شهید کردند و عیالش را که عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند، به این کیفیت اسیر نمودند، مردم متنبه شدند و فهمیدند که اگر ایشان ائمهٔ حق بودند، چنین کاری نمی‌کردند، بلکه فعل ایشان موافق نیست نه با دین و مذهبی، و نه با طریق عدالت، و نه با طریق سلاطین جور. پس، از آن اعتقادات برگشتند و از ایشان تبرّی جستند، و کم‌کم به راه هدایت رفتند، و مذهب شیعه ظاهر گردید، بلکه اهل سنت هم دانستند که ایشان خلیفه نبودند، بلکه حکام جور بودند، و اکثر ایشان لعنت بر یزید را جایز می‌دانند، پس فی الحقیقه، سببِ هدایت به دین خدا، حسین علیه السلام است. پس هرگاه کسی از برای تو در دسری بکشد یا زحمتی متحمل شود، همیشه از او خَجَل هستی و در صدد تلافی بر می‌آیی و تدارک

زحمت او را می‌کنی، پس چرا در تدارک زحمات و صدمات آن جناب که از برای تو متحمل شده نیستی؟

و نمی‌دانم به چه چیز تدارک توانی کرد، آیا این چند قطره اشک، تلاقی می‌کند این حقّ عظیم را؟ بلی، مگر آن جناب از کمال رحمت و لطف، قبول نماید، پس از این مقدار مضایقه ننماید و الّا بی‌وفا محسوب خواهی بود.

* چهارم: علاقه بزرگی و جلالت شأن است، زیرا که مصیبت بزرگان، خصوصاً اگر منافق با جلالت شأن ایشان باشد، موجب رقت است، هر چند اجنبی باشد، بلکه کافر باشد، و بر همین مَنهَج جاری است سیره پادشاهان با دشمنان خود، و حکم شارع نیز بر این جاری است و از این جهت، حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جامه خود را از برای عَدِی بن حاتمِ فرس نمود، با این که کافر بود، و فرمود: اکرام نمایند عزیزِ قومی را که ذلیل شده باشد و به همین سبب، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ثياب عمرو بن عبدود را سلب ننمود، بلکه رهِ او را هم نگرفت، با این که مثل و مانند نداشت، و فرمود: چون بزرگ قوم خود برد، نخواستم هتک حرمتش نمایم.^۴

پس بیاید مانند غلامان، از برای سید و آقای خود بنالیم، زیرا که بزرگ و جلیل بود، و هتک حرمتش نمودند، بدنش را عریان نمودند و عیالش را به اسیری، شهر به شهر گردانیدند و در ایشان به کنیزی طمع نمودند و کسی که چنین گریه نکند، از انسانیت دور است.

* پنجم: علاقهٔ محامد صفات است، زیرا که حُسن صفات، موجب رِقَّت است بر صاحبش، هر چند او را نشناسد، بلکه شارع مقدّس امر نموده است به احترامش، هر چند از کفّار باشد، چنان که یکی از کفّار را اسیر نمودند و در معرض قتل آوردند، جبرئیل نازل شد که این شخص را مکتوبی که صاحبِ سفره است.^۵

پس مصیبت صاحب صفات حسنه، تأثیر در قلوب می‌کند، خصوصاً اگر به ضدّ آن صفات باشد، مثلاً کسی که در سخاوت هزارها عطیه کرده است، اگر محتاج شود که لقمه نانی خواهش کند، البتّه دل به حال او می‌سوزد، و کسی که صاحب شدّت حیا است، اگر در معرض هُوَان و ذِلّت برآید، محلّ رِقّت است و هم چنین...

پس بیا و ملاحظه نمایک یک از صفات حمیده و خصال پسندیدهٔ حضرت حسین علیه السلام را، و ببین چگونه به ضدّ آن‌ها با او رفتار نمودند، تا این که موجب رِقّت تو شود. کسی که در شب‌های تار، به دوش مبارک طعام به جهت ارامل^۶ و ایّام، به خانهٔ ایشان حمل می‌نمود، به نحوی که اثر آن بر پشت مبارکش ظاهر بود،^۷ آیا شایسته است که طفل رضیع^۸ خود را بالای دست بلند کند و به دشمن نشان دهد و خواهش یک قطره آب از برایش نماید، اجابتش نکنند؟^۹

* ششم: علاقهٔ تبعیّت است.

پس بیاید گریه کنیم به تبعیّت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که تأسی به آن جناب لازم است، بلکه تبعیّت جمیع انبیا و اوصیا [ست].

* هفتم: علاقه جنسیت است که موجب رقت است، قطع نظر از سایر چیزها؛ مثلاً اگر بشنوی که مردی را بدون تقصیر در صحرا، با عیال و اطفال صغیر و پسران جوان و برادران و خواهران و اصحاب، حبس نموده‌اند و به آن قسم که شنیده‌ای، با او معامله کردند، البته قلبت بر حال او محترق می‌شود. چنان‌که آن حضرت می‌فرمود: وای بر شما ای جماعت! آیا از من خونی طلب دارید یا مالی از شما به غصب گرفته‌ام یا شریعت را تغییر داده‌ام؟ جواب نمی‌دادند.^{۱۰}